کافه کتاب

شجاعت رنج بردن

نویسنده: دول ون تانگرن - سارا ون تانگرن
مترجم: نازنین فیروزی
انتشارات: میلکان

پیام آشنا: کتاب «شجاعت رنج بردن نوشته‌ٔ دول ون تانگرن و سارا ون تانگرن و ترجمه نازنین فیروزی است و انتشارات میلکان آن را منتشر کرده است. موضوع این کتاب چارچوبی درمانی در مواجهه با عمیق‌ترین بحران‌های زندگی است.

درباره کتاب شجاعت رنج بردن

رنج فصل به فصل است. گاهی سختی‌ها طاقت‌فرسا می‌توند و درد غالب می‌شود. گاهی دیگر کشمکش‌ها به نظر دور هستند و باز سبک است. با این حال، رنج مردم را از راه‌های مادگذاری تغییر می‌دهد. برای بسیاری، تأثیرات پایای رنج در زندگی‌شان باقی می‌ماند. مواجهه با درد برای پذیرش وقدیت سخت زندگی و انتخاب زندگی بر از معنا شجاعت می‌خواهد. ما با بذیرتن هویتی که پیش‌بینی‌اش نمی‌کردیم، به تلاش برای یافتن راهمان در زندگی ادامه می‌دهیم. کتاب شجاعت رنج بردن، با انسان‌هایی که توصیف می‌کند، چهره‌ای تازه از رنج‌بردن را به ما نشان می‌دهد. این خسران‌های عمیقاً دردناک و اوقات اندوه تشدید ما را با واقعیت‌های دردناک روبرو کرده است که باید به آن‌ها رسیدگی کنیم. ما فقدان کنترل خود در این زندگی را تصدیق می‌کنیم. می‌دانیم که کوشته‌گیری از جهان چه حسی دارد. درک می‌کنیم که هویت‌ها می‌توانند تغییر کنند و ممکن است نیاز به بازنگری داشته باشند و می‌دانیم که مرگ یک واقعیت است. در این میان، می‌کوشیم روش‌هایی برای پرورش معنا پیدا کنیم و سعی می‌کنیم هدف‌مند زندگی کنیم؛ زیرا نمی‌توانیم آینده را کنترل کنیم. ما سعی می‌کنیم به‌دنبال روابط معنادار با افرادی باشیم که به ارتباطات پایدار و عمیق تمایل دارند و تمام تلاش خود را می‌کنیم تا با اصالت، مطابق با هویت‌مان که تناهل دردمان است، زندگی کنیم. ما می‌کوشیم از هر لحظه نهایت استفاده را ببریم؛ چون می‌دانیم که زندگی کوتاه است و همه درنهایت خواهیم مرد. آگاهی از این واقعیت‌های وجودی می‌تواند زندگی را غنی کند. گاهی این یادآوری‌ها همه‌چیز هستند؛ حتی اگر ناخواسته باشند، باز هم هدیه هستند. مداهم یک مسئله وجودی است و هم مؤلفهٔ محوری یک زندگی شکوفا. این کتاب با گردآوری بینش‌هایی از روان‌شناسی وجودی و روان‌شناسی مثبت، چشم‌انداز غنی و چندلایه‌ای فراهم آورده که ازطریق آن بتوان به مدجوهایی که دارند رنج می‌برند کمک کرد.

دربارهٔ نویسندگان

دول آ. ون تانگرن، دارای مدرک دکترا دانشیار روان‌شناسی دانشگاه هَب در تیلبرگ هلند، ایالت میشیگان است. دول روان‌شناسی اجتماعی است و بیش از صدوبیست مقاله و مطلب علمی در موضوعاتی مانند معنا در زندگی، دین، فضایل (از جمله بخشش و توضع)، روابط و بهزیستی منتشر کرده است. بنیاد جان تمپلتون برای بررسی موضوعاتی از قبیل معنا در زندگی، دین و هویت‌زدایی دینی و توضع، با کمک‌های مالی زیادی از تحقیقات وی حمایت کرده است. تحقیقات ون تانگرن تعدادی جایزه ملی و بین‌المللی نیز دریافت کرده است. او سال ۲۰۱۶ از انجمن علوم روان‌شناختی (اپی‌پی‌اس) عنوان «ستاره ظهور» دریافت کرد و به‌عنوان عضو انجمن بین‌المللی علوم و دین (آی‌سی‌اس‌آر) و عضو انجمن روان‌شناسی غرب میانه (اِم‌پی‌اِی) انتخاب شد. در حال حاضر وی همراه سردبیر مجله روان‌شناسی مثبت و سردبیر مشاور مجله روان‌شناسی دین و معنویت و مجله روان‌شناسی اجتماعی است.

سارا ایی. تنوتانز ون تانگرن، مددکار اجتماعی بالینی مجاز در ایالت‌های میشیگان و ویرجینیا و فارغ‌التحصیل دانشکده مددکاری اجتماعی دانشگاه مستر کی‌اسناغ‌پور جنیبانر پچموندنایالت‌پور جنیبانر است.

سارا بیش از دوازده سال سابقهٔ مددکاری اجتماعی بالینی در محیط‌هایی نظیر مطب خصوصی، بروتر تگاه‌بیمارستان و کلینیک‌های پزشکی سرپایی، یگاه‌های خدمات خلگی و سلامت رفتاری دارد. وی مشوِّ لحن ملی مددکاران اجتماعی (ان‌ای‌اس‌دبلیو) است. در حل حاضر، او یک مطب خصوصی در تپهر هلند ایالت میشیگان دارد و آنجا با افراد، زوج‌ها، خانواده‌ها و کودکان، کار می‌کند تا به آن‌ها کمک کند حس معنا را بیروزند و در پی آسیب‌ها و حوادث غیرمنتظره زندگی، روایت‌های تاب‌آوری خود را توسعه دهند. سارا درزمینهٔ رفتار درمانی تشاخی، ذهن‌آگاهی، روان‌درمانی وجودی، روایت‌درمانی، تنظیم مغز و درمان مبتنی بر تعهد و پذیرتن تخصص دارد.

بخشی از کتاب شجاعت رنج بردن

«یادآوری‌های مرگ (جان به‌دربردن از حادثه‌ای مرگ‌بار، تشخیص بیماری مرگ‌ مزیان یا یادآوری‌های جامع‌تری مانند اقدامات تروریستی، تهدید به جنگ هسته‌ای یا فقدان زندگی در مقیاس جهانی) مرگ را در مرکز توجه ما می‌گذارند. جهان بینی ما را که یک روش واضح و منظم برای درک جهان همچون حالتی برای اضطراب ناتنی از یادآوری‌های مرگ حمل می‌کند. باورهای مذهبی بخش صدمه‌ای از جهان‌بینی بسیاری از افراد را تشکیل می‌دهند؛ به‌ویژه، هنگامی که مربوط به مرگ باشند. این باورها به آن‌ها کمک می‌کنند از طریق ارائه پاسخ برای ماهیت این زندگی (مثلاً خداوند حافظ من است) و نحوه غلبه بر مرگ (مثلاً زندگی پس از مرگ وجود دارد) با وقدیت مرگ مقابله کنند. وضعیتی که مرگ را نگرانی مهمی می‌کند، باعث فشار بر جهان‌بینی فرهنگی می‌تواند و هرگونه نقض در منطق یا تناقض با یقینِ را افشامی کند. مددجو ممکن است متوجه چنین تنش‌هایی شود و بپرسد: «چگونه زندگی را درک کنم، وقتی می‌دانم پایان می‌یابد؟ وقتی همه می‌میرند و درنهایت فراموش می‌شوند، من واقعاً اهمیتی دارم؟ اگر همه به‌هرحال می‌میرند، زندگی چه فایده‌ای دارد؟» متعاقباً مرگ تمام فرض‌های مددجو را درباره معنا را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و آن‌ها را وادار می‌کند که درنهایت بپرسند «آیا اصلاً معنایی در این زندگی یافت می‌شود؟» مرگ به‌تنهایی یا نه‌ از رنج مرتبط است؛ زیرا پایان زندگی به‌خصوص برای احساس معنای افراد مشکل‌ساز است. برای بسیاری، پایان زندگی مرگ ممکن است انگیزه‌ای باشد برای داشتن یک زندگی اصیل و بدیرلوتن روزهای محدودی که دارند برای یقینه این یادآوری انگیزتن آن‌ها را تضعیف می‌کند و آن‌ها را در حس عمیق بی‌معنایی فرومی‌برد و باعث می‌شود بپرسند که آیا تلاشتان برای ایجاد معنا اصلاً ارزش در دسر افتاض را دارد یا نه. علائم احاشتها در مواجهه با مرگ سه واکنش متداول است: الف. انکار؛ سرکوب؛ ب. اضطراب؛ اشتغال ذهنی؛ ب. پاسخ افسردگی. برخی ممکن است با مشغول کردن خودتان با بی‌حسی عاطفی فکر مرگ را انکار یا سرکوب کنید (مثلاً ازطریق مصرف مواد، دریدن زیاد تلفن) دیگر مددجوها ممکن است اضطراب تشدید را گزارتن کنند. ذهن برخی مشغول این نگرانی‌ها می‌شود که خودتان یا دیگران به‌زودی می‌میرند. آن‌ها ممکن است «وقت‌نیاز» به‌روحی فعالیت‌هایی برای محافظت از خود و دیگران تمرکز کنند (مثلاً نگران برنامه غذایی، ورزش یا ایمنی خود یا عزیزانشان باشند) و برخی از این نگرانی‌ها با قضایت‌ها ممکن است به سطوح ناسالم برسند و عملکرد روزانه‌ٔ فرد را مختل کنند. آن‌ها همچنین ممکن است با باورهای مذهبی و معنوی خود کلاویز تشوند و به دام اضطراب بیفتند. درنهایت، برخی از مددجوها ممکن است یأس و افسردگی را گزارتن کنند. وقدیت مرگ و گریزناپذیری آن ممکن است آن‌ها را از دربیاورد، ممکن است بپرسند که هدف از زندگی چیست وقتی مقدر است همه بمیرند (و فراموش تشوند). آن‌ها ممکن است دچار فقدان انگیزتن تشوند و تتروع به کناره‌گیری از روابط کنند و در محل کار عملکرد ضعیفی داشته باشند. ممکن است از انجام‌دادن کارهایی که زمانی باعث لذتشان می‌شد لت‌شده باشند. دست بکشند. ممکن است جهان‌بینی‌شان را تغییر دهند و بپوچ‌گراتر تشوند و نگرتنی سرد، بی‌احساس و درنهایت بی‌معنا دربارهٔ جهان داشته باشند. آثار نگرانی‌ها دربارهٔ مرگ جشمگیر و قدرتمند و البته بخشی از زندگی است.»

۱۰۰ درصد اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای کتابخانه‌های البرز جذب شد

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان البرز اعلام کرد: ۱۰۰ درصد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سال ۱۴۰۱ برای بهسازی، شادآب‌سازی و تجهیز کتابخانه‌های این استان جذب شد.

به گزارش پیام آشنا، علی معدنی پور با بیان اینکه کتابخانه‌های عمومی به عنوان پایگاهی فرهنگی محسوب شده و نیاز به شادآب‌سازی دارند، افزود: ۲۹ میلیارد ریال از محل تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان برای توسعه و تجهیز کتابخانه‌های عمومی البرز جذب شد.

وی گفت: این اعتبارات برای تعمیر و تجهیز تأسیسات گرمایشی و سرمایشی، نقاشی و رنگ‌آمیزی متناسب با فضای فرهنگی کتابخانه‌ها، استحکام بنا، بهینه‌سازی

کف‌پوش‌های بخش مطالعه و بخش کودک، نوسازی قفسه‌ها، مناسب‌سازی مسیر تردد معلولان، نماسازی و طراحی در بیشتر کتابخانه‌های عمومی شهری و روستایی بر اساس سیاست‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی و مصوبات انجمن کتابخانه‌های عمومی استان جذب و هزینه شده است.

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان البرز با اشاره به اینکه فرهنگ‌سازی و اقناع‌سازی نسل جوان در کتابخانه‌های عمومی نیازمند تقویت زیرساخت‌ها و ارتقای سطح خدمات است، افزود: تقویت فرهنگ مطالعه کشور نیاز به حمایت دارد و به رغم تلاشی که از سوی کتابداران و برنامه‌های متنوع فرهنگی و خدمات کتابخانه‌ای که در استان انجام می‌شود نیاز است که توجه ویژه‌ای از سوی مدیران شهری و استان به فضای کتابخانه‌ها در اختصاص بودجه متناسب با جمعیت استان البرز صورت پذیرد.

استان البرز دارای ۷۳ کتابخانه نهادی و مشارکتی است که از این تعداد ۵۲ کتابخانه نهادی، ۲ کتابخانه سیار، یک کتابخانه تخصصی کودک و ۲۱ کتابخانه مشارکتی است که در این کتابخانه‌ها در مجموع یک میلیون و ۳۰۰ هزار جلد کتاب موجود است. قابل ذکر است: کتابخانه‌های عمومی استان البرز ۸۵ هزار نفر عضو فعال دارند.

لوح شکسته نستعلیق درویش عبدالمجید طالقانی رونمایی می‌شود

نمایشگاه و همایش بزرگداشت درویش عبدالمجید طالقانی هنرمند بزرگ خوشنویسی البرز در عصر صفوی و رونمایی از لوح ثبتی آثار این هنرمند برگزار می‌شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی البرز، این همایش با رونمایی از لوح ثبتی شیوه شکسته نستعلیق درویش عبدالمجید طالقانی که سال گذشته به ثبت ملی رسید روز چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲ برگزار می‌شود.

دراین همایش که باهمت وهمکاری، خانه هنرمندان، انجمن خوشنویسان ایران و اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری وصنایع دستی البرز برپا برگزار می‌شود، اساتید هنر و خوشنویسی ایران حضور دارند.

درویش عبدالمجید طالقانی (۱۱۵۰- ۱۱۸۵ هق) خوش‌نویس، شاعر و عارف شهیر ایرانی است. او بزرگ‌ترین خوش‌نویس خط شکسته‌نستعلیق در تاریخ خوش‌نویسی ایران به شمار می‌رود و این خط را به پایه‌ای رسانید که تاکنون کسی نتوانسته به آن دست پیدا کند. خط شکسته نستعلیق که از نیمه قرن یازدهم رواج یافته بود، در میانه قرن دوازدهم هجری قمری به دست توانمند استاد درویش عبدالمجید طالقانی به اوج خود رسید. سال گذشته شیوه شکسته نستعلیق استاد درویش عبدالمجید طالقانی از استان البرز در فهرست میراث ملی ناملموس به ثبت رسید.

انتشار فراخوان پنجمین سمینار تخصصی تئاتر کودک و نوجوان

فراخوان پنجمین سمینار تخصصی تئاتر کودک و نوجوان مرکز ملی استیژ (سازمان بین‌المللی تئاتر برای کودکان و نوجوانان) منتشر شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مرکز ملی استیژ ایران (سازمان بین‌المللی تئاتر برای کودکان و نوجوانان) در نظر دارد در راستای ایجاد بستر مناسب برای تعامل و تبادل تجربه، فعالان حوزه تئاتر کودک و نوجوان کشور، پنجمین سمینار تخصصی خود را با تأکید بر «ضرورت تولید و توسعه تئاتر برای نوجوان» و با هدف دستیابی به پژوهش‌های علمی برگزار کند. بدین‌وسیله از همه پژوهشگران، اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان تئاتر دعوت می‌شود تا با ارائه پژوهش‌های خود در ارتقای سطح علمی حوزه تئاتر کودک و نوجوان کشورمان سهیم باشند.

آثار پژوهشگران منتخب پس از خوانش اثر در سمینار در قالب کتاب به چاپ رسیده و به سه اثر برتر نیز جایزه نقدی تعلق خواهد گرفت.

علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را به پست الکترونیک مرکز ملی استیژ ایران assitejiran@gmail.com ارسال کنند.

همچنین برای دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱۸۴۰۱۴ داخلی ۴۰۵ و ۴۰۹ تماس بگیرند و یا با پست الکترونیک مرکز ملی استیژ در ارتباط باشند.

مرکز ملی استیژ ایران زیرمجموعه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کند.

داریوش مهرجویی؛ کارگردانی که تا مغز استخوان مخاطب نفوذ کرد

داریوش مهرجویی، جهان متنظم سینمایی خود را با بن‌مایه‌ای فلسفی، طی ۲۳ فیلم، به ساحت جامعه و دوستداران خود تزریق کرد و در این مسیر، با مواجهه قهرمان و مصائب زندگی روزانه به یک آسیب‌شناسی شگرفی رسید که سبب شد تا جایگاه وی به‌عنوان کارگردانی تراز اول در تاریخ سینمای ایران ماندگار شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا، داریوش مهرجویی در زمانی ظهور کرد که سینمای ایران، افیای فیلمسازی را مشق می‌کرد؛ تولیدات سینمایی کشور، بر مبنای یک اسلوب مرسوم و همیشگی، نوسان چندانی نداشت و مخاطب هم به تماشای این حرکت تکبعدی، عادت کرده بود. در همان سال‌هایی که سینمای ایران دوران گذار از سینمای فیلمفارسی را تجربه می‌کرد، مهرجویی در آمریکا مشغول تحصیل فلسفه بود؛ این انتخاب آگاهانه، تاثیر شگرفی بر شکل‌گیری دنیای سینمایی او داشت؛ برای کارگردانی که یک بال او، خلاقیت‌های نامتناهی فردی بود، گنجانگری فلسفه می‌توانست در حکم بال دوم، عمق بیشتری به محتوا و ساختار سینمایی بدهد؛ همینطور هم شد و این ۲ بال، از مهرجویی، کارگردانی ماندگار در تاریخ سینمای ایران به وجود آورد.

بر مبنای چنین مختصاتی، کارنامه سینمایی مهرجویی، از ۴ مقطع متنوب تشکیل شده است: از گلو تا هامون، از یلو تا مهمان مامان، از سنتوری تا آسمان محبوب و از نارنجی‌پوش تا المینور.

شاکله فیلمسازی مهرجویی در هر یک از این مقاطع مختلف، تابع پارامترهای بسیاری بوده است که عیار نویسندگی و کارگردانی وی را نسبت به دوره‌های پیشین او تعیین می‌کرد؛ اما نوع تسبیح تمامی این مقاطع، تلاش مستمر مهرجویی در پروسه قهرمان‌پروری است. مهرجویی، نخستین کارگردانی است که مولد جریان روشنفکری در عصر هجوم القای بیان فیلمفارسی بود و حتی پس از آن و در اواخر دهه ۶۰، با فیلم هامون، توانست مبتنی بر اقتضائات روز و تغییراتی که در هندسه اجتماعی کشور رخ داده بود، خطدهی جدیدی داشته باشد بر سینمای تازه به راه افتاده روشنفکری ایران.

اگرچه در اواخر دهه چهل، فیلمسازانی چون مسعود کیمیایی، فریدون رهنما، فرخ غفاری، ابراهیم گلستان و در ادامه اینها سهراب شهیدثالث، بهمن فرمان‌آرا و فریدون گله در اعتراض به وضعیت پاسالستعماری و دیوان فترت سرمایه‌داری و رشد اندیشه‌های چپ و انتقادی در ایران، شروع به ساخت آثاری برخلاف جریان مرسوم آن زمان کردند اما در میان تمام این کارگردانان، تنها داریوش مهرجویی بود که به نفی صددرصدی جریان فیلمسازی مرسوم آن زمان پرداخت.

عمده کارگردانان منتسب به این موج تنها توانستند فیلمنامه‌های قوام‌یافته‌تری در مقایسه با فیلمفارسی‌های آن زمان بسازند درست مانند مسعود کیمیایی که با قیصر در شکل‌گیری فضای جدید کمک کرد اما درواقع قیصر، جریان قوام‌یافته‌تر شده فیلمفارسی‌های آن دوران و از همان سبک فیلمسازی بود اما حدیث نفس گلو، تفاوت‌های بسیاری با آثار اولیه کارگردانان موج روشنفکری سینمای ایران داشت.

در گلو درگیری ذهنی کلی مخاطب، مثل حسن است. مثل حسن نه به مانند قهرمانان سینمای آن دوران، خوش‌تیپ و جوان است و نه کنش‌گری برون‌گرای یاپوودی دارد. مثل حسن، نخستین قهرمان واقعی و جدی در سینمای ایران است که به عنوان میانگین و معدل فکری و معیشتی از زندگی قاطبه مردم آن روزگار معرفی می‌شود و جلوه‌اش می‌ماند. اینکه مردم ما در دهه‌های سی و چهل، طرفدار سینمای فیلمفارسی بودند را باید در تکبعدی بودن ناقفه سینمایی‌شان جستجو کرد. فیلم‌های که عمدتاً قهرمانانی غیرواقعی و افراق‌شده داشتند که هیچ کدامشان نمایندهٔ از مردم آن روزگار به حساب نمی‌آمدند اما مهرجویی برای نخستین بار، قهرمان خود را از بین همان مردم یا همان آئین و طرز تفکر معرفی کرد.

بپرواضح است که با تغییر رویه زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم در ایران، قهرمانان سینمای مهرجویی نیز همگام با این جریان، به تکامل رسیدند. حمید هامون اوج قهرمان‌پروری سینمای مهرجویی است. مهرجویی این بار قهرمان خود را نه از میان مردم، بلکه بر اساس خمیرمایه بافقوه بخشی از مردم که پس از جنگ در حال تغییر فرهنگی و در سبک زندگی بودند انتخاب کرد به آن سر و شکل داد و خصوصیات حقیقی و نابی برای آن در نظر گرفت.

قهرمان دنیای فیلمسازی مهرجویی، دیردارنده سادگی‌هایی است که به نوعی نگاه تکبعدی در زندگی را نفی کرده و به انسان به عنوان حیوان متفکر (تعبیر ارسطو) اجازه اندیشیدن می‌دهد. حیوان متفکری که در عین دارا بودن بزرگ‌ترین اختیار آدمی‌زادی که همان تفکر است، می‌تواند دچار احساسات یا طنازی‌هایی شود که این شرایط برای او گاهاً اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین سه عنصر تفکر به عنوان شالوده دنیای انسانی (بدون

قضاوت در مورد نحوه تفکر و مختصات خاص تفکر او)، احساس و طنازی، شد شالوده تمام آثار مهرجویی.

در دوره اول فیلمسازی مهرجویی، قهرمان از دل خود مردم است. همان سادگی‌ها را دارد و تفاوت، تنها در نوع نگرش است. این نوع نگرش نه مبنای تحصیلی دارد و نه از تفاوت‌های فرهنگی نشات می‌گیرد بلکه به عنوان نخستین تجربه‌های کارگردان در شکل دادن به فضای منحصربه‌فرد خود محسوب می‌شود. در این دوره، مبنای تفکر بر دو اصل دیگر می‌چرید و این نیاز برای انسان‌هایی که بیشتر شان بافت فکری روستایی داشتند، نقش منجی را ایفا می‌کرد. هیچ چیز به مانند قهیلم‌های این دوره مهرجویی نمی‌توانست مخاطبان روشنفکری را اقناع کند.

در دوره دوم، مهرجویی، با را فراتر نهاده و رسوم روشنگرانه بسیاری را در قالب قهرمانانش به مردم دیکته کرد دیکته‌هایی که برخی از آنها جریان‌ساز شد و برخی دیگر به مانند یلو به دلیل مسائل خاص زمانی، نتوانست به آن جریان‌سازی برسد اما حداقلش آن بود که قهرمان در سینمای مهرجویی همچنان بر مدار صلابت حرکت می‌کرد. اجاره‌نشین‌ها و بعد از آن، سارا، پری، ایلان، سه گانه‌ای بی بودند که این بار بعد از یلو، زنان جامعه را هدف گرفته بودند و هر یک توانستند درگیری‌های روزمره زنان جامعه روشنفکری دهه هفتاد ایران را با شرایط آن زمان مطرح کرده و به نوعی الگوساز باشند. اجاره‌نشین‌ها هم‌چنان مطرح است که سبب شد تا کارگردان بسیاری در اواخر دهه هفتاد به این مشی عمل کرده و فیلم‌های در خور توجهی را بسازند. فیلم‌های بعدی کارگردان در این دوره نظیر میکس، بعانی و... نیز بر این مدار چرخیدند.

در این دوره، شاهد طغیان احساس بر دو اصل تفکر و طنازی هستیم اما هم‌چنان مهرجویی تنها بخش کوچکی از جامعه ایرانی را می‌بیند.

دوره سوم فعالیت سینمایی مهرجویی مانور گسترده‌ای بر روی طنازی و احساس دارد. مهمان مامان و سنتوری، دو فیلمی بودند که در عین مطرح کردن برخی آسیب‌های اجتماعی، رگه‌های واضحی از طنازی‌های قهرمانانش را نیز به همراه دارند حتی در کاراکتری چون علی سنتوری با آن وضع بحرانی نیز می‌توان رگه‌های این طنازی را در دیالوگ‌ها و حتی برخی کنش‌های مانیولیایی وی به عینه مشاهده کرد.

در دوره چهارم فعالیت مهرجویی، این تفکر است که بر دو اصل طنازی و احساس می‌چرید. مهرجویی به آسمان محبوب و قهرمان خاصش، نگاه عارفانه‌ای دارد که مشکلات مطرح‌شده در آن بر مبنای اصل تفکر وارد فضاسازی‌های مختلفی می‌شود. در نارنجی‌پوش به مانند گلو، دغدغه تفکر جدید در عصر معاصر مطرح می‌شود و همان فرار از نگاه تکبعدی، این بار فرار از نگاه کلیشه‌ای و دگاتیکی انسان هزاره سوم مبنای فیلم قرار می‌گیرد.

در چه خوبه که بر گشتی اگرچه مهرجویی، کمدی‌ترین فیلم کارنامه ۴۵ ساله خود را ساخت اما پشت‌پرده تمام آن شوخ‌مشنگبازی‌ها و پرتاب پرتقال‌ها و هوا کردن آن سفینه موهوم، نگاه متجددانه انسان هزاره سوم به مقولات سنتی زندگی خود مطرح می‌شود همان اصلی که دکارت در تاملات خود به آن اشاره می‌کند که البته موضوع فوق‌العاده سنگینی در فلسفه غرب محسوب می‌شود را این بار مهرجویی با حدودی ارائه‌ی می‌کند این فیلم نتوانست به شکلی آرمانی یا ناقفه مخاطب ایرانی ارتباط برقرار کند. دوره چهارم فعالیت مهرجویی با ۳ فیلمی آغاز شود که مردم نتوانند به مانند فیلم‌های سه دوره‌ قبلی با آنها ارتباط برقرار کنند.

اشباح و المینور، دیگر فیلمهایی با این حال و هوا بودند که کارنامه مهرجویی را تکمیل می‌کنند. ۲۳ فیلم بلند سینمایی که مهرجویی از خود به یادگار گذاشت، همان جهان متنظم ذهنی اوست که وی بنا به مقتضیات دوره‌های تاریخی مختلف، نسبت به ساخت آنها اقدام کرده است. آثاری که بین مایه‌ها و تحریرهای فلسفی در تمام آنها با زندگی‌های روز عجین شده و فیلمساز از این مسیر، دست به یک آسیب‌شناسی اجتماعی زده است.

سینمای مهرجویی، باسبک منحصربه‌فرد خود، فی‌نفسه قهرمان‌پرور است. نوشته‌های طولانی که جزئی‌ترین حالات درونی و بیرونی قهرمان خود را مورد کاوش قرار می‌دهند و این کاوش‌ها، نمی‌خواهند به عنوان نسخه‌ای برای مخاطب مطرح باشند بلکه تاثیر و تاثرات خود را ناگهانی و بدون کپی‌برداری خود بخواهیم، بر ما رخنه می‌کنند این ویژگی، از آن سینمای مهرجویی است که سبب شد مخاطبان بسیاری، تا مغزاستخوان، به آثار او تعلق خاطر پیدا کنند و حال بی‌دلیل و بی‌عقیده نیست که جدا از شوکه‌شدن خبر قتل مهرجویی بزرگ صفحات مجازی، رسانه‌ها و نیش گفت‌وگوها، پیش از هر چیز دیگر، دایره‌مدار این چهره هنری است.

به یاد بیاوریم چه زمان دیگری بود که یک کارگردان، تا این اندازه وارد محاورات مردمی شده بود. مهرجویی با همان حرکت خزنده توانست در طول سال‌ها، این چنین در زندگی مردم رخنه کند و این‌طور محبوب بماند؟ آن هم تا همیشه، تا زمانی که سینمای ایران وجود دارد.

سینمای ایرانی

مراسم تشییع پیکر داریوش مهرجویی ۲۶ مهر برگزار می‌شود

مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد داریوش مهرجویی و همسرش ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۲۶ مهر در بهشت رودکی برگزار می‌شود.

به گزارش پیام آشنا، مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد داریوش مهرجویی ساعت ده صبح روز چهارشنبه ۲۶ مهر در بهشت رودکی برگزار می‌شود.

زنده‌یاد داریوش مهرجویی، کارگردان سیتما و همسرش وحیده محمدی‌فر روز شنبه ۲۳ مهر در ویلای شخصی خود به قتل رسیدند.

سینمای جهان

همکاری لینک‌لیتر و ایتن هاوک برای دهمین بار

به گزارش پیام آشنا به نقل از ورلد آف ریل، یک فیلم جدید فلما محرمانه با همکاری ریچارد لینکلیتر و ایتن هاوک ساخته می‌شود.

ریچارد لینکلیتر در حال کار روی یک فیلم جدید کاملاً محرمانه با هنرپیشه و چهره اهل موسیقی ایتن هاوک است. لینکلیتر هفته پیش از برنامه‌های خود برای فیلم‌برداری یک فیلم فرانسوی زبان در پاریس با بازیگران فرانسوی خبر داده بود و اکنون خبر همکاری مجدد با هاوک منتشر شده است. هر چند جزئیات بیشتری ارائه نشده اما این فیلم دهمین فیلم مشترک آنها خواهد بود.

ایتن هاوک بازیگر و فیلمساز نامزد دریافت ۴ جایزه اسکار و یک جایزه تونی بود‌است. او سه فیلم بلند، سه نمایشنامه خارج از برادوی و یک مستند کارگردانی کرده و خالق ۲ رمان و یک رمان گرافیکی است.

سابقه همکاری هاوک و لینکلیتر طولانی است. وی در سه‌گانه «بیش از طلوع» (۱۹۹۵)، «بیش از غروب» (۲۰۰۴) و «بیش از نیمه‌شب» (۲۰۱۳) لینکلیتر ایفای نقش کرد و برای نوشتن فیلمنامه فیلم دوم نامزدی اسکار را به دست آورد وی بازیگر «بِسریجگی» (۲۰۱۴) ریچارد لینکلیتر هم بود که برای آن هم نامزد دریافت جایزه اسکار شد.

«بِسران نیوتن» محصول ۱۹۹۸، ایمیشن «زندگی بیداری» محصول ۲۰۰۱، «خواره فیلم نوآر» محصول ۲۰۰۱، «هفت قست فودی» محصول ۲۰۰۶ فیلم‌هایی هستند که لینکلیتر ساخته و ایتن هاوک بازیگرش بوده است. «بلیز» یک کارگردانی ایتن هاوک با بازی هاوک و لینکلیتر محصول ۲۰۱۸ هم یک همکاری دیگر این ۲ را رقم زد.

جشنواره چه خبر

چهلمین جشنواره فیلم کوتاه به روایت آمار

دومین نشست خبری چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران حرحالی برگزار شد که نکاه آماری این دوره از جشنواره نسبت به سال قبل حکایت از رشد ۴۴ درصدی آثار بین‌المللی رسیده به دبیرخانه دارد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تستیم، براساس اعلام مهدی آذرنجاد -دبیر این دوره از جشنواره- مجموعاً در «بوخش ملی و بین‌المللی ۸۹۹۷ اثر (فیلم کوتاه) طی دوره تعیین شده برای ارسال آثار به دبیرخانه این دوره از جشنواره رسیده که از این میزان سهم آثار ملی ۱۷۸۱ اثر و سهم آثار بین‌المللی ۷۲۱۶ اثر تعیین شده است. این حرحالی است که اگر آمار اعلام شده آذرنجاد درباره آثار رسیده به دبیرخانه چهلمین دوره از جشنواره را با آمار اعلامی سی و نهمین دوره از جشنواره یحتی سال قبل که مجموعاً ۷۰۰۸ اثر (۵۰۱۲ اثر خارجی و ۱۹۹۶ اثر ملی) به دبیرخانه رسیده بود مقایسه کنیم، می‌بینیم در مجموع اصل شاهد رشد ۲۸.۳ درصدی آثار رسیده نسبت به دوره قبل هستیم. از سوی دیگر اگر با یک نکته دقیق‌تر به آمار تفکیکی آثار ملی و بین‌المللی ارسال شده به دبیرخانه جشنواره در این دوره زمانی توجه می‌کنیم، می‌بینیم درحالی که در جشنواره چهلم شاهد کاهش ۱۱ درصدی آثار ملی هستیم، در بخش بین‌المللی رشدی معادل ۴۴ درصد در مقایسه با دوره سی و نهم تجربه شده و حکایت از افزایش استقبال فیلمسازان خارجی از این دوره جشنواره دارد. البته یک نکته جالب توجه آماری هنگام مقایسه دو دوره متوالی از جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه در بخش ملی نیز سهم فیلمسازان تهرانی و شهرستانی است به صورتی که آمارهای سال گذشته نشان می‌دهد، سهم فیلمسازان تهرانی در سی و نهمین دوره از جشنواره ۷۰ درصد و شهرستانی‌ها هم ۷۰ درصد را به خود اختصاص داده بودند اما امسال یحتی در دوره چهلم جشنواره فیلم کوتاه تهران با کمی تغییر به ۵۵.۷ درصد سهم فیلمسازان شهرستانی و ۴۴.۳ درصد تهرانی‌ها رسیده است. به این ترتیب با یک حساب سرانگشتی می‌بینیم اگرچه شاهد کاهش حدود ۱۵ درصدی فیلمسازان شهرستانی نسبت به تهرانی‌ها هستیم اما همچنان تفاوت حدود ۱۰ درصدی سهم شهرستانی حکایت از مشارکت بیشتر آنها در این دوره از جشنواره دارد چون سهم فیلمسازان تهرانی در چهلمین دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه ۴۴.۲ درصد است.

این درحالی است که اگر از مقایسه جشنواره سی و نهم با چهلم بگذریم؛ یکی هم به‌ره آمارهای اعلام شده در این دوره از جشنواره توسط مهدی آذرنجاد توجه کتیم نکات جالب توجهی درباره‌ این جشنواره دیده می‌شود. به گفته آذرنجاد از دوره چهلم جشنواره مجموعاً ۸۹۹۷ اثر (فیلم کوتاه) به دبیرخانه رسیده است که از این تعداد ۱۷۸۱ اثر ملی و ۷۲۱۶ اثر بین‌المللی بوده که پس از بررسی آثار رسیده به دبیرخانه در بخش بین‌المللی ۶۴ فیلم و در بخش ملی ۹۵ اثر انتخاب شده‌اند و در این دوره از جشنواره به رقابت خواهند پرداخت.

نکته جالب توجه برای بخش ملی آثار راه یافته به جشنواره این است که در میان ۹۵ اثر منتخب ۵۲ فیلم کوتاه داستانی، ۱۴ مستند، ۱۵ تجربی و ۱۴ پویانمایی وجود دارد و تنوع متطلعانه فیلمسازان این آثار اینگونه است که ۵۳ اثر از شهرستان‌ها و ۴۲ اثر هم از پایتخت در رقابت شرکت می‌کنند و جالب‌تر اینکه سهم فیلمسازان زن در این دوره از رقابت‌ها ۲۱ درصد و مردان هم با تفاوت تقریباً چهاربرابری سهم ۷۹ درصدی را به خود اختصاص داده‌اند.